

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه
۰۷ نومبر ۲۰۲۴



یونس نگاه

موقعیت جهانی امریکا و سرگیجه سیاسی آن

(یک)

امریکا دچار بحران جدی هویت شده است و درگیری برسر موضع و مقام این کشور در مسایل جهانی شدت خواهد گرفت، چه ترمپ ببرد یا ببازد. امریکائی‌ها حالا به این سؤال جدی فکر می‌کنند که آیا به مدیریت تهاجمی جهان ادامه دهند یا خیر چند قدم عقب نشسته، به جهان تازه واقع‌بینانه برخورد کنند و اولویت‌های‌شان را با سرخط «نخست امریکا» بازبینی نمایند.

دست برداشتن از «مقام» آقائی جهان آسان نیست. تشنج اصلی برسر چگونگی حفظ این مقام است. این تشنج به اشکال گوناگون ممکن در انتخابات و دست‌بندی‌های سیاسی تبارز کند، اما همه می‌دانند که امریکا دچار سرگیجه موقعیت جهانی‌اش است، و جمپ‌وجلهای سیاسی و اجتماعی جاری معلول آن سرگیجه می‌باشد.

در افغانستان ما دچار طالب هستیم. طالب مکتب را به‌روی نیم جامعه تعلیمی بسته است. این فاجعه است. اما اگر طالب مکتب را به‌روی آنان باز کند، باز هم از فاجعه کمتر نخواهد بود. خطر آموزش طالبانی کمتر از خطر بی‌سوادی نیست. چه مکتب باز شود، چه بسته بماند این واقعیت تغییر نمی‌کند که ما دچار شر حاکمیت طالبانی شده‌ایم. پیروزی و ناکامی ترمپ هم همین‌طور است. در شکل بحران سیاسی امریکا شاید تغییری بیاید، اما ماهیت بحران تغییر نخواهد کرد.

(دو)

امریکا در انقلاب کم‌پیشنه ابزار دست‌وپاچه می‌زند

جهان و پدیده‌های آن همیشه در حال دگرگونی است. گاهی اما، سرعت دگرگونی بسیار شدت می‌گیرد و منجر به تغییرات بنیادی و فراگیر می‌شود. جامعه بشری امروز درگیر یکی از سریع‌ترین دگرگونی‌هایش است. تغییرات در جوامع انسانی به دلیل نقش آگاهانه و عامل آدم‌ها با سایر دگرگونی‌ها تفاوت دارد. یکی از تفاوت‌ها سهم برجسته ابزار در شکل‌گیری تحولات است. شناخت تحولات اجتماعی بدون شناخت دگرگونی‌ها در ابزار، ممکن نیست، چنان‌که گاه حتی مجبور می‌شویم از خود بپرسیم آیا سهم اصلی در خلق فلان تحول از ابزار است یا از خالق آن، انسان.

مثال‌های زیاد در تاریخ قابل پی‌گیری و استناد بشر داریم. از سنگ چقماق، سنگ‌های تراشیده‌شده برنده، اهرم‌ها تا یوغ و اسپار و چرخ و ماشین بخار و ماشین چاپ، باروت و برق و تیلیفون شمرده بیاید تا کامپیوتر و انترنیت و رسانه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی. این‌ها هرکدام چنان مهم بوده‌اند که ما با شناخت و تحلیل آن‌ها می‌کوشیم «انسانیت» خود را درک کنیم و مسیری را که تاکنون پیموده‌ایم بشناسیم.

در چند دهه اخیر تحولات تاریخ‌ساز در ابزار به وجود آمده است. انترنیت، کامپیوتر و ملحقات آن‌ها روابط آدم‌ها را از بنیاد دگرگون کرده است. این دگرگونی نیازمند ظروف سیاسی و فرهنگی تازه است. هوش مصنوعی رابطه انسان را با مهم‌ترین ارزش اجتماعی، یعنی کار، به سرعت دگرگون می‌کند. در اثر این تغییرات همه بنیان‌های سیاسی، اقتصادی، مالی، پولی و فرهنگی جهان به لرزه افتاده است.

غلیان این دگرگونی‌ها در هسته اقتصاد، فرهنگ و سیاست حاکم جهان از هر جا بیشتر حس می‌شود: امریکا. امریکا با سازمان ملل متحد، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، دالر و لیبرالیزم و نیولیبرالیزم در گرداب ناشی از انقلاب کمپیشه ابزاری که خود و همپیمانان و همراهانش ساخته‌اند دست‌وپاچه می‌زنند. در جهان تازه‌ای که کم‌کم شکلش آشکارتر می‌شود، ارزش‌ها و نهادهای سیاسی-اقتصادی-فرهنگی امریکامحور کارائی خود را از دست می‌دهند.

نکته مهم اما این است که خالق این بحران (امریکا، و همراهان و همتایان فرهنگی-سیاسی‌اش) بیشتر از حریفان از اهمیت این تحول آگاه است و می‌کوشد خود را با شرایط تازه وفق دهد. ولی نمی‌دانیم که در این کار موفق خواهد شد و در این چپه‌گریم دوباره پیشتازی‌اش را تثبیت خواهد کرد یا خیر. یک دهه بعد امریکا و جهان ما بسیار متفاوت خواهد بود.

(سه)

انتخابات جهانی امریکا

در گذشته امریکا نقش جهانی بازی می‌کرد ولی جهان نمی‌توانست نقش چندانی در امریکا بازی کند. آخرین رئیس جمهوری که امریکا در خلوت خودش و بدون نقش تعیین‌کننده جهان انتخاب کرد، بارک اوباما بود. بعد از او، انتخابات امریکا تیاتری شده که کارکنرهایش امریکائی است ولی صحنه دیگر کاملاً امریکائی نیست، بلکه تماشاگران، مشوقان و سرمایه‌گذاران و سهامداران جهانی بسیار تأثیرگذار دارد. جهان در انتخابات امریکا عمدتاً از سه طریق نقش بازی می‌کند. یکی نقش دولت‌های خارجی است که با پول، استخبارات، تبلیغات، همکاری و کارشکنی فعال انجام می‌گیرد. روسیه، چین، اعضای اتحادیه اروپا و حتی کشورهای چون ایران و اسرائیل هر کدام در حد بضاعت شان سهامدار این انتخابات است.

نقش دومی از طریق شرکت‌های بزرگ بین‌المللی بازی می‌شود. شرکت‌هایی که از امریکا در سراسر جهان کار می‌کنند دیگر تنها امریکائی نیستند بلکه کم‌بیش چینی، هندی، روسی، اروپائی، اسرائیلی، جاپانی و کوریائی نیز می‌باشند. مثلاً ایلان ماسک پاسپورت امریکائی دارد، اما شرکت‌هایش چندین هویت‌ه اند و منافع فرامریکائی دارند. ترمپ و شرکت‌هایش نیز همین‌گونه اند. صدها شرکت بزرگ و هزاران شرکت متوسط با شاخه و پنجه جهانی، منافع سیاسی متفاوت از آنچه شهروند عادی امریکا در تصور دارد، تعریف می‌نمایند. رسانه‌ها، بانک‌ها و دیگر شرکت‌های فراملی در انتخابات امریکا بسیار نقش دارند.

توده مردم و نخبگان غیر امریکائی به خصوص در اروپا، کانادا، استرالیا، چین و نیز عده‌ای در خاورمیانه و روسیه با هورا و لایک و نفرین و تشویق خود و یا شاید حتی با حمایت‌های مالی و سیاسی در سمت‌های اتفاقات سیاسی امریکا نقش بازی می‌کنند.

در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰ امریکا مزه واقعی نقش جهان را در امور داخلی‌اش چشید. در انتخابات امسال احتمالاً طعم جهان در کام امریکا بسیار آشکار و انکارناپذیرتر است. انقلابی که در رسانه‌ها رخ داده، زمینه‌ساز دست‌رسی جهان به دخالت و سهم‌گیری فعال در سیاست امریکا شده است.